

## Mourning Ritual Among Manichaeans: A Combination of Thoughts and Beliefs

Maryam Moezzi\*

Tahmineh Raees-sadat\*\*

### Abstract

Mourning ceremonies are one of the cultural ceremonies of societies, all societies with different religions and cultures pay attention to. Mourning etiquette, as part of the ritual ceremonies in everyday social relations, can be a criterion for understanding religious and cultural developments in society. This article aims at examining mourning among Manichaeans. As one of the religious minorities in Iran, Manichaeans had a special religious and cultural fabric. Funeral and mourning ceremonies in Manichaeism seem an under-researched topic. This analytical-descriptive study seeks to show what beliefs and thoughts have influenced mourning among Manichaeans. It seems that due to the political and social atmosphere of the lives of the Manichaeans and their relation with other religions, their mourning ceremonies were a combination of rituals and thoughts.

**Keywords:** Iran, Mourning, Mourning Ceremony, Mani, Manichaeans

\* Associate professor Department of History, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Maryammoezzi@yahoo.com

\*\* Assistant professor Department of History, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding author) tahmineh.r@um.ac.ir

### How to cite article:

Moezzi, M., & Raees-sadat, T. (2024). Investigating the ritual of mourning among Manichaeans (combination of thoughts and beliefs). *Journal of Ritual Culture and Literature*, 3(1), 59-76. doi: 10.22077/jcrl.2024.7465.1120



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



## بررسی آیین سوگواری در میان مانویان (تلفیقی از اندیشه‌ها و باورها)

مریم معزی\*

تهمینہ رئیس‌السادات\*\*

### چکیده

مراسم سوگواری از جمله مراسم است که در حوزه فرهنگ یک جامعه قرار می‌گیرد و جزو آداب و رسوم است که همه‌ی جوامع با ادیان و فرهنگ‌های گوناگون به آن توجه دارند. آداب سوگواری به‌عنوان بخشی از مناسک فرهنگ آیینی که در بطن مناسبات روزمره اجتماعی جای دارد، می‌تواند معیار گویایی برای شناخت میزان و سطح تحولات اعتقادی و فرهنگی جامعه باشد. این نوشتار قصد دارد به بررسی مسئله‌ی سوگواری در میان مانویان بپردازد. مانویان به‌عنوان یکی از اقلیت‌های دینی در ایران، دارای بافت اعتقادی و فرهنگی خاصی بودند. آیین و مراسم سوگواری و عزاداری در کیش مانویت امری است که تاکنون پژوهشگران کم‌تر به آن توجه داشته‌اند. این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی بر آن است تا نشان دهد مسئله سوگواری در میان مانویان تحت تأثیر چه عقاید و افکاری انجام شده است و به نظر می‌رسد مراسم سوگواری ایشان با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی زندگی مانویان و ارتباط با ادیان دیگر، تلفیقی از آیین‌ها و اندیشه‌ها بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، سوگواری، مراسم عزاداری، مانی، مانویان.

\*دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. Maryammoezzi@yahoo.com  
\*\*استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) tahmineh.r@um.ac.ir

## ۱- مقدمه

آیین‌های سوگواری از جمله مراسم فرهنگی و اجتماعی مهم در هر جامعه‌ای است که می‌توان از خلال آن نکاتی را یافت که به بیشتر شناخته شدن فرهنگ یک جامعه، یک ملت و یک دین کمک می‌کند. از این منظر، در این پژوهش به شناخت سوگواری و مبحث آخرت‌شناسی در کیش مانویت پرداخته شده است. هدف این نوشتار توجه به گرایش‌های فکری آیین‌های سوگواری و بررسی مراسم ویژه سوگواری در میان اقلیت‌های مذهبی از جمله مانویان است. نشان دادن این مسئله که تلفیقی از اندیشه و آیین‌های گوناگون توانسته‌اند نوع خاصی از مراسم مذهبی از جمله سوگواری مانویان را به وجود بیاورند، هدف دیگری است که این نوشتار به دنبال آن است. در این نوشتار به زندگی و مسایل عقیدتی مانی اشاره مختصری می‌شود. مبحث سوگواری بر مانی، موضوعی است که در آن از نوع تدفین و چگونگی سوگواری بر او سخن رفته است. آخرت‌شناسی مانوی و رستاخیز مانویت و مراسم عید بما، از جمله مهم‌ترین مباحث در موضوع سوگواری مانویان است.

### ۱-۱- بیان مسئله

در ایران از دیرباز و البته پس از ورود اسلام به ایران، به‌جز مسلمانان، اقلیت‌های دیگر مذهبی از جمله: زردشتیان، مسیحیان، یهودیان، صابئیان، مانویان و گروه‌های کوچک‌تر دیگری هم زندگی می‌کردند. برخی از ایشان با پرداخت جزیه به حیات خود ادامه دادند و برخی دیگر در همان سده‌های نخست هجری مهاجرت کردند، پراکنده شدند و به تدریج تعداد پیروانشان اندک شد و اثری از آن‌ها باقی نماند. این پژوهش بر آن است تا از میان منابع دست اول تاریخی و پژوهش‌ها و تألیفات ارزشمند در دوران حاضر، به موضوع آیین سوگواری در میان مانویان به‌طور برجسته‌تری پردازد و این مطلب را عنوان کند که مانویان در این آیین، ترکیبی از رسوم دیگر ادیان هم‌زمان با دوره‌ی خود را هم وارد آن کرده‌اند. این مسئله به دلیل نوع/خاص اعتقادات کلی و آراء و اندیشه‌های مانویان است که برای درک بیشتر آیین سوگواری در میان ایشان به بیان دیدگاه‌های فکری آنها پرداخته خواهد شد.

### ۱-۲- پیشینه پژوهش

در رابطه با بحث مانویان و مانی‌گری پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است. البته باید توجه داشت مطالب و مباحث موجود در این کتب و مقالات بیشتر تأکید خود را بر زندگی مانی و بحث ثنویت و تصوف در دین او گذاشته‌اند و بر بحث سوگواری در دین مانی به‌طور مستقل تأمل نکرده‌اند؛ چراکه مطالب در این مورد بسیار کم و پراکنده است. ابن ندیم در *الفهرست*، شهرستانی در *الملل و نحل*، بغدادی در *الفرق بین الفرق* و ابوریحان بیرونی در *آثار الباقیه* که از منابع دست اول هستند، به مانی و مانویت اشاره کرده‌اند. در خصوص پژوهش‌های جدید می‌توان به کتب *مانی‌شناسی* نوشته گروهی از نویسندگان

فرانسوی و ترجمه تقی‌زاده، مانی و سنت مانوی نوشته فرانسوا دکره، نوشته‌های مانی و مانویان از ایرج وامقی و کتاب در جستجوی دینی گمشده نوشته کورنلیا رومر اشاره کرد. حسین مفتخری در مقاله‌ی «حیات سیاسی مانویان در قرون نخستین اسلامی»، مبحث مانویت در دوران اسلامی و برخورد خلفا با ایشان را مدنظر قرار داده است. احمد طاهری عراقی در مقاله‌ی «ردیه‌نویسی بر مانویت در عصر اسلامی»، ردیه‌هایی بر عقاید مانویان در دوران اسلامی را بررسی می‌کند. «دین مانی» نگاشته محمدجواد مشکور اعتقادات مانی و التقاط ادیان در دین او و همچنین طبقات جامعه مانویان را منظور نظر خود قرار داده است. در این مقالات و چندی دیگر هیچ‌کدام به موضوع سوگواری در آیین مانویت یا تأثیر اندیشه‌های گوناگون بر آیین سوگواری مانویان اشاره‌ای نشده است. اکثر کتب در ارتباط با مانی در حوزه پژوهش‌های دینی - اعتقادی هستند و به مسائل اجتماعی در میان آن اقلیت کم‌تر پرداخته شده است.

### ۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

بررسی تاریخ اجتماعی موضوعی است که همواره توجه جامعه‌شناسان، تاریخ‌نگاران و اندیشمندان هر جامعه‌ای را به خود جلب کرده و همپای تاریخ سیاسی جوامع اهمیت یافته است. آیین‌های سوگواری از جمله آداب و رسوم اجتماعی است که با توجه به فضای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی - اعتقادی، از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و تغییر می‌کند. قرون نخست اسلامی در ایران، دورانی است که به تبع منابع در تحقیقات تاریخی نیز بیشتر از منظر حوادث سیاسی دولت‌ها و حکومت‌ها بدان پرداخته شده و از مباحث اجتماعی کمتر سخن رفته است. تلاش این پژوهش بر آن است که آداب و رفتار مانویان در مراسم سوگواری را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد و از این طریق مشخصه‌های فرهنگی، اعتقادی، مذهبی و اجتماعی جامعه ایران در آن عصر شناسایی شود. این پژوهش از این حیث، کاری جدیدی محسوب می‌شود که تاکنون مسئله آداب و آیین سوگواری در میان مانویان به‌عنوان یک اقلیت دینی مورد بررسی قرار نگرفته است و اکثر کتب و منابع صرفاً مبانی اعتقادی و فلسفی مانی و پیروان او را به بحث گذارده‌اند.

### ۲- بحث و بررسی

#### ۲-۱- زندگی مانی

مانی (Manes) که به رومی مانیکوس (Manicus) نوشته می‌شود، بانی مذهبی است به نام مانوی (Manichaeism) (حکمت، ۱۳۸۸: ۱۷۶). در سال ۲۱۵ یا ۲۱۶ میلادی متولد شد. پدرش پاتک از همدان بود و در زمان اشکانیان در بابل زندگی می‌کرد. مانی در کودکی با آیین مغتسله یا همان مندائیان تربیت یافت، اما پس از آشنایی با ادیان زمان خودش یعنی زردشتی و مسیحی، آیین مغتسله را رها کرد (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۵۸۲؛ شهرستانی، ۱۳۵۰: ۲۵۹). مانی را دارای

دو اسم می‌دانند یکی مانی و دیگری کورپکو که به عقیده برخی نام نخستین (مانی)، لقب او است؛ زیرا در میان اسامی فارسی چنین ترکیبی دیده نشده است و باید از اسامی مربوط به تفأل و دعا باشد مانند بمان و ماشاءالله و در این صورت اسم اصلی او کرپکو بوده و لقبش مانی یعنی بمان است (بهار، ۱۳۸۴: ۶۵). بنا بر مطابقت کامل خصوصیات ادیان مندایی و مانوی و برداشت‌های کلی عرفانی و مراسم نیایشی آن‌ها می‌توان پذیرفت که پاتگ (پدر مانی) به یک گروه مندایی در جنوب بابل ملحق شده بود و مانی در چنین محیط تعمیدی پرورش یافته بود (ویدن گرن، ۱۳۵۲: ۳۹). مانی در ابتدا کتابی به نام *شاپورگان* تألیف کرد و آن را به شاپور پسر اردشیر ساسانی تقدیم نمود. او همچنین در انجیلش که بیست و دو باب داشته است خود را فارقلیطی (*conforter*) که مسیح بشارت آمدنش را داده بود، معرفی کرده است. بهرام اول پسر شاپور ساسانی، مانی را به روحانیون زردشتی وا گذاشت و آن‌ها هم پس از محکوم کردن مانی، به‌عنوان خروج از دین او را به زندان افکندند و در سال ۲۷۶ میلادی کشته شد (بیرونی، ۱۳۵۲: ۲۶۸؛ ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۵۹۲).

فردوسی نیز در ذیل سلطنت شاپور داستان مانی را به‌اختصار بیان می‌کند. در این ابیات به‌طور خلاصه و مختصر محل زندگی و اعتقادات مانی، توجه او به نقاشی و صورتگری، ارتباط با بزرگان هم‌عصرش (شاپور) و گفتارها و مباحث او با دربار ساسانی بیان شده است:

که چون او مصور نیند زمین  
یکی پر منش مرد مانی بنام  
زدین آوران جهان برترام  
به پیغمبری شاه را یار خواست  
جهان دار شد زان سخن بدگمان  
زمانی فراوان سخن‌ها براند  
فتادستم از دین خود در گمان  
مگر خود به گفتار او بگروید  
نه بر پایه موبدان موبد است  
چو بیند ورا کی گشاید زبان  
سخن گفت با او از اندازه بیش  
زگفتار موبد زدین کهن  
به یزدان چرا آختی خیره دست  
بدو در مکان و زمان آفرید  
زهر گوهری گوهرش برتر است  
(فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۲۳۷).

بیامد یکی مرد گویا ز چین  
بدان چربدستی رسیده بکام  
به صورتگری گفت پیغامبرم  
زچین نزد شاپور شد بار خواست  
سخن گفت مرد گشاده زبان  
سرش تیز شد موبدان را بخواند  
کزین مرد چینی چیره زبان  
بگوییید و هم زو سخن بشنوید  
بگفتند که این مرد صورتگر است  
زمانی سخن بشنو او را بخوان  
بفرمود تا موبد آمدش پیش  
فرماند مانی میان سخن  
بدو گفت که ای مرد صورت‌پرست  
کسی کو بلند آسمان آفرید  
کجا نور و ظلمت بدو اندر است

## ۲-۲- اعتقادات مانی

در دوران ساسانی آیین مانی به شدت منفور و مطرود بود. این آیین، خود را تلفیقی از مبادی آیین زردشتی و بودایی و مسیحی معرفی می‌کرد و اندیشه‌هایی از مذاهب بابلی، یونانی و گنوسی<sup>۱</sup> هم در آن نفوذ داشت، اما در واقع به هیچ‌کدام از این ادیان قائل نبود. همچنین افکار مرقیون<sup>۲</sup> و ابن دیصان<sup>۳</sup> در عقاید مانویان راه یافته بود. مانی عقیده مسیحیان در به صلیب کشیده شدن عیسی را انکار می‌کرد و او را شیطان می‌خواند. او خود قائل به تثویت بود که کلیسا آن را گمراهی و ارتداد محض می‌دانست (زرین‌کوب، ۱۳۶۳، ۱۷۳؛ تقی‌زاده، ۱۳۳۵: ۳۰).

## ۲-۳- نوشته‌ها و کتاب‌های مانی

آثار مانی در هفت دفتر به زبان آرامی خاوری که زبان جایگاه زایش و بالندگی او بود، نوشته شده بودند؛ *انجیل زنده*، *گنج زندگان*، *رساله‌ای درباره ایمان*، *کتاب رازان*، *مکاتیب*، *زبور و نیایش‌ها*، *کتاب غولان (کوان) است* و *کتاب شاپورگان* که آن را به شاپور یکم ساسانی تقدیم کرده بود و در آن دین و آیین خود را شرح داده بود که البته چیزی از آن به جای نمانده است (نورانی اردبیلی، ۱۳۷۵: ۲۴؛ آقامحمدی، ۱۳۸۴: ۷۴). این سه کتاب را نیز از مانی می‌دانند: *کفالایا* (نکات عمده)، *سرودنامه‌ها* (مواعظ و مهرنامه‌ها)، *ارژنگ* یا *ارتنگ* که دفتری پر از نگاره‌ها و تصاویر دینی بوده است (همان؛ بهبهانی، ۱۳۸۴: ۳۰)؛ در واقع او برای شرح و توضیح مبادی دین خود دست به کار نقوش و تصاویر زده و به تقلید از چینیان و هندوان برای پیروان خود نگاره‌ها و صورت‌ها را رسم می‌کرده است (حکمت، ۱۳۸۸: ۱۷۸). ابوالمعالی محمد الحسینی العلوی در *بیان‌الادیان* در این مورد می‌نویسد: «مانی در میان مغان پیغامبری دعوی کرد و برهان او صناعت قلم و صورتگری بود. گویند بر پاره‌ی حریر سپید خطی فرو کشید و کتابی کرد به انواع تصاویر» (۱۳۷۶: ۳۳). متأسفانه اصل دو کتاب مهم مانی که حاوی دستورات اخلاقی - دینی بوده در دست نیست؛ کتاب *پراگماتایا* که چنین حدس زده می‌شود که این عنوان اقتباسی از لغت دخیل یونانی به سریانی است و دیگر مجموعه *نامه‌هایی* به زبان قبطی است و با اینکه بیش از سی سال از کشف آن‌ها می‌گذرد هنوز چاپ و منتشر نگردیده و چنین گزارش شده که به احتمال زیاد قسمت عمده آن‌ها مفقود شده باشد و جز عنوان‌ها و مقدمه‌های این نامه‌ها چیز دیگری در دست نیست (ویدن‌گرن، ۱۳۵۲: ۱۰۱).

## ۲-۴- سوگواری بر مانی

درباره‌ی کشته شدن مانی این چنین گفته شده که او را به صلیب کشیدند، پوستش را کندند و پر از گاه کردند و بر دروازه جندی‌شاپور آویختند (بیرونی، ۱۳۵۲: ۲۷۰)؛ ابن ندیم،

۱۳۴۶: ۵۹۶؛ مسعودی، ۱۳۴۹: ۹۴). در کیش مانوی و در میان مانویان رسم گریستن بر مرده بوده است، اما مانند دین زردشتی از انجام این عمل نهی شده‌اند؛ زیرا بنا بر اعتقاد آنان گریه روان مرده را دچار آزار می‌کرده است (وامقی، ۱۳۷۸: ۷۹)؛ اما مرثیه‌سرایی بر بزرگان دینی در بین مانویان وجود داشته است. در مزمور ۲۴۱ در مورد مرگ مانی چنین آمده است: من از مغان سخن راندم/ که بر خون تو نگریستند/ آنان تنت را به زنجیر کشیدند/ تو دوازده آموزگار و هفتادودو اسپسگ (خادم) را منصوب کردی. سیسنوس<sup>۴</sup> را بر فرزندان<sup>۵</sup> چون رهبر برگزیدی/ آنان دوستدار نبوغ کریه یهودان بودند/ آن‌ها کشندگان خداوندگار/ آنان خونت را در میان گذرگاه شهر جاری ساختند/ ضربتی بر گردنت زدند/ و سرت را بر دروازه شهر نهادند/ در کشتار تو شادی کردند/ و نمی‌دانستند روز بازخواستی هم هست/ عاشقانت خجسته‌اند/ و بر تو اشک ریختند/ آه. سوگ بدنت/ و شادی روانت که فراز رفته است/ ای خجسته، ای پدر ما/ امروز ما را در شمار گزیدگان قرار ده (آلبری، ۱۳۷۵: ۲۴۱).

این اشعار چگونگی کشته شدن مانی توسط زردشتیان، سوگواری برمانی و گریستن و اشک ریختن بر او و همچنین توسل به او برای آمرزیده شدن را بیان می‌کند.

## ۲-۵- تدفین در آیین مانی

اطلاعات زیادی درباره‌ی نوع تدفین در میان مانویان و رسم آن‌ها در این زمینه در دست نیست. در یک منظومه بلند مانوی قطعه‌ای هست که در آن از نام دخمه سخن رفته است: «بسته می‌شود اجزای روان‌های مرده/ به دخمه مرگ/ که همه سیاهی است» (وامقی، ۱۳۷۸: ۱۵۵). شاید بتوان سنت دخمه‌گذاری برای مردگان مانوی را از این قطعه شعر استنباط کرد. همان‌طور که آیین زردشتی بر آن عمل می‌کردند؛ اما نویسنده‌ی مشهور چینی به نام هونگ-مه معتقد است دین مانی پس از راه یافتن به دربار پکن از نفوذ کیش بودایی بی‌تأثیر نماند. این نویسنده پیروان مانی را انسان‌های عجیب و غریب بیان می‌کند: «رئیس آن‌ها شب‌کلاه بنفش‌رنگ به سر می‌گذارد و لباس بلند می‌پوشد، زنان کلاه سیاه و پیراهن سفید دارند. روال کارشان اینست که جز یک وعده، هنگام ظهر نخورند و مرده‌ها را برهنه دفن کنند» (دکره، ۱۳۸۳: ۱۵۶). شاید بتوان گفت ابتدا سنت تدفین مانند زردشتیان، دخمه‌گذاری بوده و سپس بعد از مرگ مانی و گسترش دین مانی به طرف شرق دور تحت تأثیر فرهنگ بودیسم به‌صورت تدفین برهنه مردگان انجام می‌گرفته است.

## ۲-۶- ناپسند دانستن گریه و زاری بر مرده در کیش مانوی

در آیین مانی گریه و زاری در سوگ از دست‌رفتگان نهی شده است. بررسی متونی از زبان پارسی میانه از آیین مانوی، این امر را برای ما مشخص می‌کند. در یک متن تمثیلی

به جای مانده، مویه و بی‌تابی کردن بر فرد درگذشته، گناهی است که اثر آن به روح مرده می‌رسد. در این متن کهن، زنی داماد خویش را از دست داده و به مادر داماد خود می‌نگرد که تنها پسرش درگذشته است، اما با وجود این مصیبت صبر پیشه کرده است: ترتیب داده شده‌اند پس از آن زن/مادر دختری که عروس بود، اندیشید/ که این زن او را یک پسر است (فقط یک پسر دارد)/ این همه را ترتیب داده است/ و مرا نیز یک دختر است و از هم اکنون هر چه این زن که او ویراست (ترتیب داد)/ من نیز همان‌گونه شایسته باشد بکنم/ و آن زن (مادر عروس) نیز آغازید به همان شیوه ویراستن/ چنان چون آن زن (مادر داماد) من که تاکنون ندانستم/ که اگر بر پسر نساگین (پسر مرده) گریم/ آنگاه این جانین (زنده) را می‌کشم/ در نتیجه از این پس نگریم و او را نکشم و برای او (داماد مرده) آمرزش گناهان و رحمت طلبد/ آنگاه حضرت مانی دعای بسیار کرد و پس از آنجا بشد (بهبهانی، ۱۳۸۸: ۲۵۶).

در باورهای کهن مانویان، سوگواری بر مرگ عزیزان ناپسند شمرده شده است و هر چه این مویه و زاری بر ازدست‌رفته کم‌تر باشد امید به رستگاری برای فرد درگذشته بیشتر است و روح او نیز در آرامش بیشتری به سر می‌برد. البته این موضوعی نیست که فقط در کیش مانوی با آن روبه‌رو باشیم؛ چه اینکه در آیین زردشت هم گریه و زاری بر مردگان نهی شده است.

در آیین زردشتی سوگواری مفصل و با تشریفات، گناهی بزرگ به شمار می‌آمد. زردشتیان گریه بیش‌ازحد را گناه می‌دانستند؛ زیرا این کار سلامتی عزاداران را به خطر می‌انداخت و درعین حال کمکی هم به شخص متوفی نمی‌کرد (هینلز، ۱۳۸۷: ۱۳۰ و ۶۱). «اشک چشم سوگواران رودی بزرگ و سهمگین می‌شود و راه را بر گذر کسانی که به‌سوی بهشت می‌روند می‌بندد که برایش اشک ریخته‌اند و در اوصاف دوزخ آمده شیون و زاری مستوجب کیفر دوزخی است» (مزداپور، ۱۳۸۳: ۲۳۹ و ۲۱۰). این مسئله در دیانت زردشتی به حدی مورد توجه بوده که سرپیچی از آن برای انجام دهندگان مجازات داشته و در اوستا و نذیاد به آن اشاره شده است.

## ۲-۷- مرثیه‌سرایی در سوگواری مانوی

هرچند در خصوص مرثیه‌سرایی در ایران پیش از اسلام اطلاع چندانی در دست نیست، اما قراین نشان می‌دهد که مرثیه‌سرایی در ایران باستان رواج داشته است (امامی، ۱۳۶۹: ۲۰؛ افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۶) و تاکنون به‌صورت روایی یعنی سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است (حاجیان، ۱۳۸۶: ۶۸). شاید بتوان این‌گونه استنباط کرد که مرثیه‌خوانی در دوران ایران اسلامی ریشه در مرثیه‌سرایی مانویان دارد. شعر «در رثای مرزکو» نمونه‌ای شناخته‌شده از این مرثی است به زبان پهلوی اشکانی سروده شده و در رثای یکی از پیشوایان مانوی به نام مرزکو است:



ای آموزگار بزرگ/ ای شبان، ای چراغی که زود خاموش شدی / چشم ما سیاه شد/ کم سو و نابینا شد/ ای درخت بزرگ که شاخه‌هایت در هم شکست/ مرغانی که آشیانشان فروریخته بود، لرزیدند/ ای خورشید بزرگ که در جهان پنهان شدی/ چشمان ما تار شد/ چه روشنی، روی در نقاب خاک کشید/ ای ساریبان که کاروان را رها کردی در بیابان، کوه‌ها و دره‌ها، ای دل و جان که از ما ناپدید شدی/ ای کوه زرگون که میشان در آن می‌چریدند/ شیر برگان بند آمد/ و میشان به زاری ناله می‌کنند/ ای پدر توانا که فرزندان بسیاریت رنج می‌کشند/ فرزندان‌ی که بی‌پدر شده‌اند/ ناله سر دهیم و به زاری گریه کنیم/ عشق تو را همیشه به یاد داریم... (تفضلی، ۱۳۴۶: ۵۷۷)

مراثی و سرودهای غمگین و اندوه‌بار مانوی در مرگ مانوی و قدیسان مانوی- مسیحی، بهترین دلیل برای یک سنت غنی مرثیه‌سرایی در پیش از اسلام است که می‌توان آثار آن را تا قرون پس از اسلام دید. بهترین نمونه‌های مرثیه‌خوانی در زبور مانوی نوشته شده است که با موسیقی خاص مذهبی همراه بوده و آن را به صورت دسته‌جمعی می‌خواندند. مراسم سوگواری و مرثیه‌خوانی در دوران اسلامی در ایران و موسیقی خاص آن بی‌شک تحت تأثیر مراسم مشابه آن در آیین مانوی است (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۹: ۲۱).

## ۲-۸- آخرت‌شناسی مانوی

باید توجه داشت اعتقاد مانوی درباره‌ی خلقت عالم و آدم بیشتر تحت تأثیر عقاید بودا و یهود است و مانوی داستان پیدایش عالم و آدم را با مختصر تغییری از تورات نقل کرده است (مرسلی اصل، ۱۳۵۵: ۲۴). به‌زعم مانوی منشأ کل و اصل وجود یا همان خدای بزرگ، دو تا است که یکی را نور و یکی را ظلمت نامیده است. به اعتقاد او در وجود هر انسان نور الهی موجود است و خدای ازلی در سرزمین نور و روشنایی زندگی می‌کند. پس خدای نور برای هدایت و نجات انسان از شرارت‌های اهریمن در زمان‌های مختلف، انبیاء و رسولان بسیاری را فرستاده است که همه‌ی عناصر وجودی ایشان نور مطلق است. آن‌ها عبارت بودند از نوح، ابراهیم، زردشت، بودا و عیسی. مانوی از موسی نام نمی‌برد. ظاهراً به او اعتقادی نداشته است. پس آخرین این رسولان خود مانوی است که بزرگ‌ترین فرستاده‌ی خدای نور است و برای نجات بشر برانگیخته شده است (حکمت، ۱۳۸۸: ۱۷۹). وقتی دنیا به آخر می‌رسد، دیوان تلاش می‌کنند با معرفی خود به‌عنوان نمایندگان ایزدان مردم را به سوی خود جلب کنند تا مردم بیشتر فریفته شوند (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۳: ۲۶۷)؛ در آن زمان افرادی که اعتقاداتشان واقعی نیست گمراه می‌شوند و به دیوان می‌پیوندند. زمانی که شرایط جهان بدین گونه گردید «آنگاه بر زمین و آسمان و خورشید و ماه و اختران و ستارگان نشان بزرگی پیدا خواهد شد» و ایزد خردیشهر (عیسای شکوهمند) می‌آید (شاپورگان، ۱۳۷۸: ۴-۲).

یکی از عقاید مانوی، اعتقاد به تناسخ بوده است. بغدادی در کتاب خود این موضوع را این‌گونه بیان می‌کند:

مانی در برخی کتاب‌هایش گفته است روان‌هایی که از تن‌ها جدایی می‌گیرند بر دو گونه‌اند یکی روان صدیقان و نیکان و دیگر روان گمراهان و روان نیکان چون از تن جدا شود و در ستون بامدادان آویزد و به‌سوی پرتوی که در فرا روی چرخ آسمان است روان گردد و بدان جهان در شادمانی جاویدان زید و روان گمراهان چون از تن جدایی‌گزیند خواهد که به پرتو والا پیوندد ولی بازگونه به‌سوی پایین فرود آید و در کالبد جانوران درآید تا اینکه از آرایش تاریکی پاک گردد و سپس به نور والا پیوندد (۱۳۳۳: ۲۷۹).

این گفتار به‌روشنی تصویری از اعتقاد به تناسخ در افکار مانی و همچنین اندیشه او درباره‌ی مبحث آخرت‌شناسی از دیدگاه او را بیان می‌کند.

مانی تشکیلات اجتماعی ساده اما محکم به دین خود داده بود. در این آیین جاهل و عاقل و دین‌دار، همه از این دین نصیب و بهره می‌بردند. در انجام فرایض این آیین بر کسی تحمیلی نبود. شاید بتوان گفت این خصوصیات و محسنات از آن‌رو بود که این دستورات از روی ادیان مختلف موجود در آن زمان با ذوق و دقتی سرشار ترکیب شده بود (بهار، ۱۳۸۴: ۴۱).

همان‌طور که اشاره شد مانی خود را در کتاب *انجیلش* که به زبان سریانی است، فارقلیطی، که مسیح مژده بشارتش را داده بود، معرفی می‌کرد. به نظر می‌رسد مانی می‌خواستند اصول دینی خود (که در این انجیل بیان نموده) متممی بر آن مسیح باشد تا بتواند انجیل شریعتی مسیحی را تحت‌الشعاع قرار دهد (ویدن گرن، ۱۳۵۲: ۹۸). افکار و اندیشه‌های مسیحی‌گری مانی را همچنین می‌توان در اشعار به‌جامانده از او نیز جستجو کرد:

«من مانی‌ام  
 حواری عیسی مسیح  
 به خواست خدا، پدر راستی  
 آن که من از اویم  
 آن که می‌زیبود و جاویدان می‌ماند  
 آن که پیش از همه چیز بوده  
 و پس از همه چیز خواهد بود» (رومر، ۱۳۸۸، ۸؛ رومر و گئینون، ۱۳۸۷: ۳۴).

و همچنین در این شعر  
 «بگو: درود بر خورشید  
 که با روشنی خویش فراز آمده است  
 درود بر روح القدس  
 که امروز فراز آمده برای نجات ما  
 خداوندگار ما مانی  
 که بخشاینده گناهانی  
 درود بر گذرگاه صلح  
 کز آن فراز آمده‌ای  
 نور آشنای تو را بستاییم

## ای مسیح

ای تفسیرگر نیکوی ما» (آلبری، ۱۳۷۵: ۱۱۶).

به نظر می‌رسد که مانی به وجود سه عیسی معتقد بوده است: ۱- عیسی درخشان، عیسی منجی که دانش و بینش رهایی بخشی را برای مردمان می‌آورد؛ ۲- عیسی رنجور، نامی که در مانویت غربی به نفس زنده داده شده است و رنج می‌برد. مصلوب است چون به صلیب کشیده شده است؛ ۳- عیسی مسیح، پیغمبر و پسر خدا که ظاهر انسان را به خود گرفت و به ظاهر، رنج مرگ را تحمل کرد. مانی با نفرت خود از ماده به‌سختی در برابر آموزه‌ی ظهور واقعی عیسی به‌صورت انسان و مصلوب شدن عملی او مخالفت می‌کرد (بهبهانی، ۱۳۸۴: ۲۷؛ آقامحمدی، ۱۳۸۴: ۶۵).

در مبحث آخرت‌شناسی در مانویت، آن‌طور که از نوشته‌های سغدی به‌دست‌آمده پس از مرگ شخص پرهیزگار، فرشته‌ای نیکو صورت به نزد او می‌آید و البته سه فرشته‌ی دیگر او را همراهی می‌کنند و تا بهشت، فرد پرهیزگار را راهنمایی می‌نمایند و اهریمنان از این شخص دور می‌شوند. اما اگر شخصی که مرده فردی گناهکار بوده باشد که حرص و شهوت بر او غلبه داشته، اهریمنان بر او حاضر می‌شوند و پس از شکنجه و عذاب او را به دوزخ سرازیر می‌کنند (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۵۹۶). که از این منظر بسیار می‌توان این عقیده را شبیه به طرز تفکر زردشتیان در مورد سرنوشت روان انسان‌های نیکوکار و گناهکار پس از مرگ دانست که در روایت پهلوی و مینوی خرد به آن اشاره شده است.

## ۲-۹- رستاخیز مانوی

در دین مانی از معاد جسمانی خبری نیست و هر آنچه گفته شده درباره معاد روحانی است. در این دین درباره سرشت فرجامین انسان‌ها به هنگام مرگ و پس از آن دو دیدگاه را می‌توان یافت. بر اساس آموزه‌ی مانی، روح، پیش از رسیدن به رستگاری کامل ممکن است چندین بار تجسم انسانی پیدا کند. برای از میان رفتن روح با مرگ، دو بخش وجود دارد: ۱- روح، پیش «دادگر داد» می‌رود و پس از اینکه درباره‌ی آن قضاوت شد یکی از این سه راه به سوی «زندگی» (بهشت نو)، «آمیختگی» (بازگشت به سوی دنیا) و یا «مرگ» در پیش می‌گیرد. ۲- روح نیکوکار درحالی که بدن را ترک می‌کند، یکی از خدایان منجی را می‌بیند که سه فرشته‌ی حامل نشان‌های پیروزی یعنی تاج گل و دیهیم و جامه‌های بهشتی او را همراهی می‌کنند. روح بهشتی با گرفتن این‌ها از ستون شکوه و ماه و خورشید به بهشت نو عروج می‌کند. گاهی خدای منجی به شکل دوشیزه‌ی روشنایی پدیدار می‌شود (آقامحمدی، ۱۳۸۴: ۶۴؛ بهبهانی، ۱۳۸۸: ۲۲).

در روز رستاخیز، جهان پایان می‌گیرد و این پایان با جنگی بزرگ پیش بینی شده است. دورانی از کشمکش و تلخی و زوال ایمان به وجود می‌آید و پس از آن بیشتر روشنایی از دنیا بیرون کشیده می‌شود و عیسای درخشان برای دومین بار پدیدار می‌شود که

کرسی عدالت خود را برپا و نیکوکاران را از گناهکاران جدا می‌کند. پس از آن، خدایان حامی جهان، وظایف خود را رها می‌کنند. آسمان‌ها و زمین‌ها فرومی‌ریزند و آتش بزرگ شعله‌ور می‌شود که آخرین بخش‌های روشنایی با آن آزاد می‌شوند و به‌عنوان خدا به بهشت نو صعود می‌کنند. ماده زندانی می‌شود و در زندان با سنگی بزرگ بسته می‌شود و سرانجام بهشت نو باز به بهشت روشنایی می‌پیوندد و ساکنان آن خدایان و نجات‌یافتگان، چهره‌ی پدربزرگ یا خداوند بزرگ را که از زمان آغاز نبرد از ایشان نهفته بود بار دیگر می‌بینند (بهبهانی، ۱۳۸۸: ۲۲؛ آقامحمدی، ۱۳۸۴: ۸۸).

## ۲-۱۰- مراسم عید بما

مانویان روزی را به یادگار روزگار مرگ مانی معین کردند موسوم به «عید بما». در این روز منبری می‌گذاشتند که حاکی از حضور استاد غایب باشد؛ چون در یونانی، منبر را بما می‌گفتند این روز چنین خوانده شده بود (کریستین‌سن، ۱۳۷۹: ۲۸۳). «بیابید اینجا در این روز بما تا از بسی سَمساره (samsara) {برگرفته مانویان از زبان سنسکریت به معنای تناسخ} نجات یابید» (رحیمی و رهبین، ۱۳۸۳: ۱۲۸). عید بما در پای تختگاه حضرت عیسی برگزار می‌شد که مانی بر آن جلوس کرده بود. این عید به پارسی «عیدگاه» و «نیشایم» و به ترکی «جایدان» نام داشت و ظاهراً موعده آن در آخرین ماه روزه<sup>۵</sup> مانویان بود و به یاد شهادت مانی در ماه مارس رومی برپا می‌شد. مانویان شب این عید احیا گرفته، به گناهان خود اعتراف می‌کردند و آموزش می‌خواستند (مشکور، ۱۳۴۵: ۹۴۶). مانویان هر سال در این روز (بما) به یاد مصلوب شدن مانی مراسم را برگزار می‌کردند و در این مراسم، صحنه مصلوب شدن مانی را مجسم می‌ساختند و نیز منبری را که مانی روی آن موعظه می‌کرد و همچنین میز محاکمه‌ای که هر سال قبل از داوری باز پسین اعترافات عمومی مؤمنین را از آن می‌شنید، به نمایش در می‌آوردند تا بدین وسیله خاطرات نجات‌دهنده نژاد بشری را در اذهان زنده نگاه دارند و نام اصلی این نمایش سمبولیک «روز قیامت و سنجش اعمال» بوده است (مرسلی اصل، ۱۳۵۵: ۱۳)؛ در واقع جشن بزرگ سالیانه‌ی بما بالاترین جایگاه را در سال شرعی مانویان داشته است. آگوستینوس درباره آن چنین گفته است:

در آن هنگام که شنونده‌ای نزد شما بودم بسیار برایم پیش آمد که از شما بپرسم چرا عید پاکِ نجاتبخش [مسیح] اغلب با بی‌میلی بسیار و فقط در حضور جمعی اندک بدون مقدمات، بی تکلیف، خلاصه، بدون هیچ جلال و شکوه رسمی که در سایر اعیاد متداول است، برگزار می‌شود. درحالی‌که شما عید بمای خودتان، یعنی مراسم روزی را که مانی کشته‌شده با احترامات بسیار بر پا می‌دارید، سکویی پنج مرتبه برمی‌افرازید و با پارچه‌های گران‌بها آراسته می‌کنید و به تماشای ستایشگران می‌گذارید. وقتی این پرسش را مطرح می‌کردم به من پاسخ داده شد که این مراسم را باید در سالروز مصیبت کسی که واقعاً رنج کشید برپا کرد [منظور مانی است] درحالی‌که مسیح اصلاً به دنیا

نیامده، او مصیبت نکشیده بلکه وانمود کرده که مصیبت می‌کشد. (دکره، ۱۳۸۳: ۱۳۹)

در بخش بالایی صحنه بما، اورنگ یا محرابی دیده می‌شود که با قالیچه‌ها و پارچه‌های رنگی به‌گونه‌ای زیبا آراسته شده‌اند و کف اتاق نیز با قالیچه‌های باشکوهی مفروش شده است که برخی از آن‌ها لوزی شکل هستند (کلیم کایت، ۱۳۷۳: ۱۴۶) در چپ و راست این منبر صورت‌های روحانیون دیده می‌شود که در پنج پله نشسته و در واقع درجات پنجگانه مانویان را نشان می‌دهد. میز سرخ‌رنگی دیده می‌شود که به نظر می‌رسد شیرینی یا نان گندم باشد. یک ظرف زرین سه پایه دیده می‌شود که در آن میوه‌هایی مانند خربزه و انگور قرار داده شده است. شخصی دیده می‌شود که ملبس به لباس نماز است و دعا می‌خواند و کتابی مجلد و مزین در دست دارد (ر.ک تصویر). خوراکی‌هایی که در مراسم بما، تناول می‌کردند، نیوشگان جهت استغفار از گناهانشان به‌عنوان صدقه آوردند، در عین حال که به یاد و در سوگ مانی برگزار می‌شد از درون مایه‌ای شادی آور نیز برخوردار بود (Sundermann, 1986: 136-137). افراد در این تصویر جامه‌های بلند و سفید با آستین‌های فرفرافنده که شبیه جامه‌های عصر تانگ چین است، بر تن کرده‌اند (هامبی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۸) شاید بتوان گفت این سپیدپوشی در سوگ را وامدار سنت زردشتی بودند. زردشتیان نیز در مراسم سوگواری خود پوشش و البسه سفیدرنگ برمی‌گزیدند؛ زیرا آن را نماد روشنی، پاکی و خلوص می‌دانستند (هیلنر، ۱۳۸۷: ۶۰). از این یادواره می‌توان چنین استنباط کرد که آیین بما، به‌منزله اورنگ مانی، سریر قضاوت او و نشانه داور اعظم بوده است؛ بنابراین امید به رستخیز و رستگاری مانویان در اینجا تشریح گردیده است (کلیم کایت، ۱۳۷۳: ۱۴۷). شاید بتوانیم آیین بما یا مراسم تعزیه مانی را از اولین نمونه‌های نمایشی با رنگ و بوی تعزیه در ایران قبل از اسلام بنامیم.



مراسم بما، ویرانه‌های خوچو، چین، قرن ۹-۸ میلادی (مألف، ۱۳۸۷: ۴)

بنا بر اعتقاد مانویان، در روز بما مانی خود از بهشت پایین می‌آمد و در کرسی قضاوت

می‌نشست و مؤمنان واقعی در این عید شرکت می‌کردند. این عید در واقع به نوعی انجام مناسک اعتراف سالیانه نیز بوده است و در روز پیمان مؤمنان به گناهان خود اعتراف می‌کردند و مانی خود آمرزش می‌داده و گناهان آنان را می‌بخشیده است (تقی‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۷).  
قطعه‌ای نیز در این رابطه سروده شده است:

«... و هنگامی نیز که مرگ، سپهسالار دین مانی را درمی‌یابد

هم سوگ و ماتم ماندگان است

هم سور و شادی نجات یافتگان» (وامقی، ۱۳۷۸: ۸۱).

معلوم می‌شود خلاص شدن روح مانی از ظلمت جسد، موجب جشن و شادی بوده است و بدین جهت وفات او را عید می‌گرفته‌اند (تقی‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۱). پس از وفات مانی دین او در سوریه، مصر و آفریقای شمالی تا اسپانیا جلو رفت و در سال ۷۶۳ میلادی، دین مانی در مملکت اویغورها رسمی شد. مردم ایغور (uighurs) در ترکستان و چین و آسیای مرکزی هم چنان به آن عقاید پایدار ماندند و سلاطین ایشان آن را دین رسمی خود قرار دادند (برنامقدم، ۲۵۳۶: ۲۴؛ حکمت، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

### ۳- نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده درباره‌ی آیین و مراسم سوگواری و تدفین در میان مانویان، اطلاعات اندک و البته متناقضی به دست آمد. بنا بر اطلاعاتی که درباره‌ی نحوه‌ی زندگی و عقاید مانی وجود دارد می‌توان در مورد مراسم سوگواری مانویان اظهار نظر کرد. مانی در ابتدا در میان مندائیان یا مغتسله پرورش یافته بود که این مسئله و آشنایی او با افکار این مردمان، بی‌شک نمی‌توانسته بر اندیشه‌های بعدی مانی در جنبه‌های مختلف از جمله مراسم سوگواری تأثیر نداشته باشد.<sup>۶</sup> دیگر اینکه مانی به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های مسیحی قرار داشت و همان‌طور که در کتب و اشعار اشاره شد، خود را حواری مسیح خوانده بود. بعید نیست که در اعمال و مناسک مذهبی که او و دیگر مانویان انجام می‌داده‌اند، اندیشه‌های مسیحیت نیز راه یافته باشد؛ چنان‌که نحوه‌ی کشته شدن او به صلیب کشیده شدن بوده است. از سوی دیگر مانی در ایران زندگی می‌کرده و با کیش زردشتی و اعمال و مناسک سوگواری در ایران آن زمان آشنا بوده است. استفاده از واژه‌ی «دخمه» در قطعه‌ای مانوی خود می‌تواند گویای آشنایی مانویان با آیین سوگواری و تدفین ایرانیان بوده باشد. مرثیه‌سرایی و نهی گریه و زاری بر درگذشتگان نیز از جمله مواردی بود که در سوگواری مانویت به آن پرداخته شد. با توجه به آنچه در این مقاله آمد شاید بتوان آیین سوگواری در میان مانویان را تلفیقی از اندیشه‌ها و آیین‌های زمانه مانی دانست. از آنجاکه اکثر منابع این دوران بر التقاطی بودن این دین تأکید دارند شاید بتوان این‌گونه استنباط کرد که آداب و رسوم این گروه از جمله مراسم سوگواری ایشان نیز آمیخته‌ای از ادیان و باورهای عصر مانویان است.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- گنوسی‌سیزم (Gnosticism) مشرب عرفان و اهل باطن که از گنوستی یونانی به معنی معرفت است و نامی است کلی برای بسیاری از تعالیم و مسالک نخستین سده‌های بعد از میلاد مسیح. این مکتب مدعی است که راه رستگاری معرفت فلسفی خالص است و گرنه راه نجات از راه ایمان به دست نمی‌آید. اساس عقیده گنوستی بر مکاشفه و اشراق و معرفت اشراقی و عقاید مخصوص تکوینی بود و همچنین فلسفه وجود ثنویت (اعتقاد به دو عنصر خیر و شر و حکومت آن‌ها در عالم) جزو عمده و بنیان آن بود و راه رساندن روح به عالم بالا، زهد و امساک و معرفت به حقایق زهد است (بایرناس، ۱۳۸۶: ۶۲۸).
- ۲- مرقیونیان گروهی از ترسایان بودند و نور و ظلمت را دو اصل قدیم می‌دانستند. خدا را منزله از شر می‌دانستند. اینکه انسان همیشه باید به یاد خدا باشد و روزه بگیرد و این‌گونه از شیطان رهایی می‌یابد. مرقیونیان کتابی داشته‌اند که دین خود را در آن بیان کرده‌اند و کتاب دیگری داشته‌اند که آن را انجیل می‌نامیده‌اند (نفیسی، ۱۳۴۳: ۶۹).
- ۳- درباره دیصانیان نوشته‌اند که ابن دیصان در کنار نه‌ری به نام دیصان متولد شده بود و پیش از مانی بوده و دین او نزدیک به دین مانی بوده است و تنها اختلاف ایشان درباره آمیختگی نور با ظلمت بوده است. ابن دیصان معتقد بود که نور جنس واحد و ظلمت جنس واحدی است. ابن دیصان خود کتاب «نور و ظلمت و کتاب «روحانیه الحق» و کتاب «متحرک و جماد» داشته است. پیروان ابن دیصان از قدیم در سرزمین بطائح بوده‌اند و در چین و خراسان گروه‌های پراکنده‌ای از ایشان وجود داشته است (همان: ۶۹).
- ۴- جانشین مانی است و تا واپسین لحظات مرگ مانی همراهش بوده است (آسموسن، ۱۳۷۳: ۲۶۶).
- ۵- این نکته حائز اهمیت است که هر ساله هفت دوره روزه داری دو روزه تحت عنوان یمکی (yimki) وجود داشته که با توجه به پنج دوره دو روزه‌ای که در یادبود فدائیان کلیسا برگزار می‌شد، از آن نشأت گرفته است. همچنین یک روزه‌داری سی‌روزه در بهار نیز وجود دارد که به روزه‌های تعطیلی مذهبی به نام بما / بمه (bema) منتهی می‌شود (کانپا، ۱۳۹۹: ۷۱).
- ۶- برای آشنایی با آیین سوگواری در میان مندائیان رک: «آیین سوگواری در میان صابئیان» (معزی و رئیس‌السادات، ۱۳۹۰).

### کتابنامه

- اسموسن، هنینگ، گیلز کیسپل. (۱۳۷۳). *آیین گنوسی و مانوی*. ویراسته میرچا الیاده. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: انتشارات فکر روز.
- آقا محمدی، علی محمد. (۱۳۸۴). *مانی، مانگیری، صوفیگری*. تهران: انتشارات فرهاد.
- آلبری، رابرت سسیل چالز. (۱۳۷۵). *زبور مانوی*. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: فکر روز.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۳۴۶). *الفهرست*. ترجمه رضا تجدد. تهران: ابن سینا.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). *اسطوره آفرینش در آیین مانی*. تهران: فکر روز.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). «اسطوره و هنر در آیین مانی». *کتاب ماه هنر*. ش ۲۵ و ۲۶. صص ۲۱.
- افسری کرمانی، عبدالرضا. (۱۳۷۱). *نگرشی به مرثیه سرایی در ایران*. تهران: مؤسسه اطلاعات.
- امامی، نصرالله. (۱۳۶۹). *مرثیه سرایی در ادبیات فارسی*. تهران: دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- بایرناس، جان. (۱۳۸۶). *تاریخ جامع ادیان*. ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: علمی و فرهنگی.
- برنا مقدم، محمد. (۲۵۳۶). *درآمدی بر سیر اندیشه در ایران*. تهران: جهان کتاب.
- بهار، محمد تقی. (۱۳۸۴). «کشاکش مانوی - مزدکی» در *کشاکش های مانوی - مزدکی در ایران عهد ساسانی*. به کوشش ملیحه کرباسیان و محمد زنجانی اصل. تهران: اختران.
- بهبهانی، امید. (۱۳۸۴). *در شناخت آیین مانی*. تهران: بندهشن.
- بهبهانی، امید. (۱۳۸۸). «تمثیلی مانوی در نکوهش مویه و زاری به سوگ در گذشتگان». *زبان و زبان شناسی*. س ۵. ش ۱۰. صص ۱۵۱-۱۶۵.
- بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر. (۱۳۳۳). *الفرق بین الفرق یا تاریخ مذاهب اسلام*. به اهتمام محمدجواد مشکور. تبریز: کتابفروشی حقیقت.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۵۲). *آثار الباقیه*. ترجمه ی علی اکبر داناسرشت. تهران: ابن سینا.
- تفضلی، احمد. (۱۳۴۶). «در رثای مرزکو». *راهنمای کتاب*. س ۱۰. ش ۶. صص ۵۷۷-۵۷۹.
- تقی زاده، حسن. (۱۳۳۵). *مانی و دین او*. تهران: انجمن ایران شناسی.
- تقی زاده، حسن. (۱۳۸۳). *مانی شناسی*. به کوشش ایرج افشار. تهران: توس.
- حاجیان، فرخ. (۱۳۸۶). «مرثیه ای دلکش به زبان پهلوی، اشکانی، ترفانی». *مطالعات ایرانی*. س ۶. ش ۱۱. صص ۴۹-۷۰.
- الحسینی العلوی، ابوالمعالی محمد. (۱۳۷۶). *بیان الادیان در شرح ادیان و مذاهب جاهل و اسلامی*. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. به اهتمام محمد دبیرسیاقی. تهران: روزنه.
- حکمت، علی اصغر. (۱۳۸۸). *تاریخ ادیان*. تهران: پژوهاک.
- دکره، فرانسوا. (۱۳۸۳). *مانی و سنت مانوی*. ترجمه عباس باقری. تهران: فرزاد.
- رحیمی، محمدعلی و آرمین، رهبین. (۱۳۸۳). *ریشه های نمایش در آیین های یاران باستان*. چاپ اول. تهران: اهورا.
- رومر، کورنلیا. (۱۳۸۸). *در جستجوی دینی گمشده (دین مانی)*. ترجمه ی امیرحسین اکبری شالچی.



- تهران: پازینه.
- رومر، کورنلیا و گئینون، لدویگ. (۱۳۸۷). *بازمانده‌های زندگی مانوی*. ترجمه امیر حسین شالچی. تهران: آتیه.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۳). *تاریخ ایران بعد از اسلام*. تهران: امیرکبیر.
- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم. (۱۳۵۰). *الملل و النحل*. ترجمه‌ی افضل‌الدین صدر ترکه اصفهانی. تصحیح محمدرضا جلالی نائینی. بی‌جا: اقبال.
- طاهری عراقی، احمد. (۱۳۸۴). «*ردیّه‌نویسی بر مانویت عصر اسلامی*» در *کشاکش‌های مانوی-مزدکی در ایران عهد ساسانی*. به کوشش ملیحه کرباسیان و محمد زنجانی اصل. تهران: اختران.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۶). *شاهنامه*. ج ۵. تهران: بی‌نا.
- کانپا، متیو. (۱۳۹۹). «هنر و تشریفات مذهبی مانوی، جادو، متون، اشیاء و تصاویر از مدیترانه تا آسیای مرکزی». ترجمه نگار مروتی. *جندی‌شاپور*. ش ۲۱. صص ۵۱-۱۰۲.
- کریستین سن، آرتور. (۱۳۷۹). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.
- کلیم کایت، هانس یواخیم. (۱۳۷۳). *هنر مانوی؛ با گفتاری درباره زندگی و تعالیم مانوی*. ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: فکر روز.
- مألوف، امین. (۱۳۸۷). *مانی، پیامبر باغ‌های اشراق*. ترجمه حسین نعیمی. تهران: ثالث.
- مرسلی اصل، عباس. (۱۳۵۵). «دین مانوی و رابطه آن با تصوف و عرفان». پایان‌نامه کارشناسی. مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.
- مزدپور، کنایون. (۱۳۸۳). *داغ گل سرخ*. تهران: اساطیر.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۴۹). *التنبیه و الاشراف*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۴۵). «دین مانوی». *وحید*. ش ۳۵. صص ۹۴۳-۹۵۰.
- مفتخری، حسین و ضائقی، راحله. (۱۳۸۶). «*حیات سیاسی مانویان در قرون نخستین اسلامی*». نامه تاریخ‌پژوهان. ش ۱۱. صص ۱۵۶-۱۸۱.
- نفیسی، سعید. (۱۳۴۳). *سرچشمه تصوف در ایران*. تهران: کتاب‌فروشی فروغی.
- نورانی اردبیلی، مصطفی. (۱۳۷۵). *بررسی ادیان و عقاید*. قم: دفتر مرکزی مکتب اهل‌البیت.
- وامقی، ایرج. (۱۳۷۸). *نوشته‌های مانوی و مانویان*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- ویدن گرن، گنو. (۱۳۵۲). *مانی و تعلیمات او*. ترجمه نزهت صفای اصفهانی. تهران: بی‌نا.
- هامبی، لویی؛ دوویلار، مونره؛ گرن، گنو ویدن. (۱۳۸۹). *هنر مانوی و زردشتی*. ترجمه‌ی یعقوب آژند. تهران: مولی.
- هیلنز، جان راسل. (۱۳۸۷). *راهنمای ادیان زنده جهان*. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: بوستان کتاب.

Sundermann, W. (1986) "Der Lebendige Geist als Verführer der Dämonen" *Manichaica Iranica Ausgewählte Schriften von Werner Sundermann*. Roma: Istituto Italiano.

